



این کوبور را کمد ببینید.  
گزارش را با اسکن

## دعوا بر سر گلدان‌های اهدایی ناپلئون

### بهاره خسروی

داستان از آنجا شروع شد که در زمان جنگ‌های ایران با همسایه شمالی، میان ناپلئون بناپارت و فتحعلی شاه عهدنامه‌ای به نام «فینکنشتاین» بسته شد. آنطور که در کتاب‌های تاریخی آمده است نژال گاردن از افسران زنده‌ار تش فرانسه، همراه هیأتی به نمایندگی از ناپلئون برای ایجاد روابط حسنه و تنظیم مفاد عهدنامه، راهی ایران شد. در این سفر ۲ جفت گلدان فرانسوی (ساخت کارخانه سور) از طرف ناپلئون بناپارت به دربار ایران هدیه شد.

بعد از عهدنامه «فینکنشتاین» در باره اینکه چه بر سر گلدان‌های اهدایی ناپلئون آمد تا از خانه پدری حاج حسین آقا ملک در بازار بین‌الحرمین سر در آورده‌اند اطلاعات دقیقی در اسناد تاریخی نیست. اما ماجرای حضور این گلدان‌ها در دربار پهلوی اول در سال ۱۳۱۷ زمان عروسی ولیعهد جوان با فوزیه، بود که نقطه شروع مناقشه رضاشاه با حاج حسین آقا ملک شد. عروس خارجی دربار ایرانی کلی هزینه روی دست شاه گذاشته بود. از طرفی قرار بود در این ماجرا جلال و جبروت و زیبایی‌های ایران به رخ سران دنیا و کسانی که شاهد این عروسی بودند، کشیده شود. برای همین در روزنامه‌های آن دوره فراخوانی منتشر کردند که هرکسی از خاندان‌های ثروتمند و رجال درباری اشیای تزیینی، عتیقه و ارزشمند دارد برای اجرای مراسم عروسی به دربار امانت دهد. به نوشته «حسین مکی» نگارنده کتاب «تاریخ بیست‌ساله ایران»، ثروتمندان و خانواده‌های سرشناس می‌دانستند، دادن اشیای ارزشمند و میراثی به دربار، بی‌بازگشت است. برای همین به فکر مخفی کاری افتادند. اما ۲ نفر از کسانی که حاج حسین آقا ملک آنها را سرپرستی کرده بود و برای ادامه تحصیلات به اروپا رفته بودند و در آن زمان مسئول تشریفات دربار بودند، از سوی شهرستانی به عنوان مأمور به خانه حاج حسین آقا ملک رفتند و تقاضای گرفتن گلدان‌ها را کردند. حاج حسین آقا به خوبی می‌دانست که این امانتی بی‌بازگشت است. به همین دلیل در قبال تحویل گلدان‌ها رسید گرفت. اما گلدان‌های اهدایی ناپلئون بعد از اجرای مراسم عروسی در دربار پهلوی ماندگار شد. تا اینکه بعد از شروع جنگ جهانی دوم و تبعید رضاخان به جزیره موریس و روی کار آمدن ولیعهد جوان، حاج حسین آقا ملک رسیدی را که بابت امانت دادن گلدان‌ها در دست داشت به دربار فرستاد و گلدان‌ها را پس گرفت. اکنون از این گلدان‌ها در موزه ملک نگهداری می‌شود.



## حکایت دره عزل

سوهانک، یک واقعه سیاسی مهم در دل خود نهفته دارد. آنطور که تهران پژه‌ها می‌گویند و در منابع تاریخی مستند نوشته شده است، یک روز وقتی ناصرالدین شاه برای شکار به این قریه خوش آب و هوا رفته بود در همین جا فرمان عزل میرزا آقاخان نوری را صادر کرده، از این‌رو در آن زمان به این محله دره عزل می‌گفتند.



## چنار ۹۰۰ ساله

نماد اصلی محله سوهانک درخت چنار قطوری به حساب می‌آید که همسایه مسجد جامع سوهانک است. کسی در دست نمی‌داند عمر این چنار چقدر است. اما آنطور که از قدیم دهان به دهان گشته و اهالی از پدرانشان شنیده‌اند این درخت کهنسال که به‌خاطر شکل شاخه‌هایش به چنار ۷ شاخه معروف است حدود ۹۰۰ سال قدمت دارد.



محله سوهانک روزگاری جایی برای آرامش بود

# یک دل سیر هوای تازه

### پریسانوری

این هفته قرعه محله گردی ما به محله سوهانک در منطقه یک تهران رسید؛ محله‌ای خوش آب و هوا در شمال شرق پایتخت که در دامنه رشته‌کوه‌های البرز جاخوش کرده و روزگاری جزو آبادی‌های شمیم‌بان بوده است. خانه‌های محله سوهانک همه روی بلندی ساخته شده، برای همین ساکنان این خانه‌ها هر صبح اول یک دل سیر هوای کوهستان را نفس می‌کشند و بعد سراغ کسب و کارشان می‌روند.

### تفاوت شمال و جنوب محله

بافت شمال و جنوب محله سوهانک تفاوت چشمگیری دارد. کوچه‌های خاکی و دیوارهای کاهگلی شمال محله شمارا به روزگار قدیمی این سرزمین می‌برد، در حالی که جنوب محله هیچ نشانه‌ای از ده قدیمی ندارد و مثل همه جای تهران پر از برج‌های کوتاه و بلند است و زندگی در آن مثل یک شهر مدرن جریان دارد. منابع تاریخی را که ورق بزنید تا قبل از دهه ۴۰ که هنوز پای برج‌ها و شهرک‌ها به این محله باز نشده بود، اینجا فقط یک ده بود با کشتزارها، دره‌ها و باغ‌های سرسبز که حدود ۶۰۰ نفر جمعیت داشت.

### همنشینی چنار و مسجد

سال‌هاست چنار کهنسال محله در همسایگی مسجد جامع سوهانک جاخوش کرده است. مسجدی بدون مناره که سال ۱۳۲۶ شمسی به همت اهالی روستا ساخته شده. قصه همسایگی چنار ۷ شاخه با مسجد هم خواندنی است، محمد کریمی می‌گوید: «پدران ما تعریف می‌کردند وقتی شاه‌عباس دستور داد در هر آبادی جلوی مسجد و امامزاده‌ای درخت چنار بکارند، آن زمان در آبادی فقط یک حسینیه بود و ما هم این چنار را کاشتیم و بعدها مسجد هم کنار چنار ساخته شد.» با گشت و گذار در محله بنای ساختمان قدیمی حسینیه با آن گنبد نقره‌ای‌اش پیدا می‌شود. اهالی می‌گویند قدمت این حسینیه بیش از ۱۰۰ سال است و بنایش در سال ۱۳۴۲ بازسازی شده است.



### مرز نامریی پردردسر

سوهانک از جنوب با بزرگراه ارتش و از غرب و شرق به مینی‌سیتی و گردنه کوچک محصور است اما شمال محله یعنی همانجایی که ده قدیم سوهانک قرار دارد به رشته‌کوه‌های البرز می‌رسد. در واقع شمال محله یک مرز نامریی دارد که باعث می‌شود ساخت و سازها بیش از این به دل کوه نروند. اهالی معتقدند این مرز نامریی این روزها در دسر بزرگی برای اهالی قدیمی این محله درست کرده است. این در دسر به قانون ارتفاع ۱۸۰۰ متری حریم شهری از سطح دریا برمی‌گردد. طبق قانون خانه‌های بالاتر از این ارتفاع جزو شهر نیستند. حالا این مرز نامریی در ست از دل محله می‌گذرد و این باعث شده خانهای در حریم شهری باشد و خانه‌ای که چند متر آن طرف‌تر است جزو شهر به حساب نیاید و به آن امکانات شهری مثل آب و برق تعلق نگیرد. جدا از این ترددهای وقت و بی‌وقت آفرودها و موتور کراس‌ها از خیابان سوهانک برای رسیدن به تپه‌ها و کوه‌ها را هم نباید نادیده گرفت که باعث به هم خوردن آسایش اهالی محل می‌شود.



هوای سوهانک ۵الی ۶درجه از دیگر محله‌های پایتخت خنک‌تر است. آنطور که در منابع تاریخی نوشته شده این ده محبوب بسیاری از شاهزاده‌های قجری بوده است. آنها یا چند روزی را اینجا اتراق می‌کردند یا در این آبادی خانه و کاشانه ساخته‌اند. به همین دلیل، در آن دوره به سوهانک دره شاه‌پسند می‌گفتند. به گفته اهالی یکی از همسران فتحعلی شاه قاجار هم در این آبادی خانه داشته و شاه برای شکار و سر زدن به عیالش به این روستا می‌آمده. گو با شاهزاده‌های قجری به نام حاج‌الدوله که در فرانسه فوت کرده، وصیت می‌کند که جنازه‌اش را به سوهانک بیاورند. عصمت‌الدوله، دختر ناصرالدین شاه و همسرش معیر الممالک هم تابستان‌ها را در سوهانک می‌گذراندند و عصمت‌الدوله همان جا به خاک سپرده شد.

## آبادی محبوب شاهزاده‌ها

۱۸۰۰ متر ارتفاع بالاتر از سطح دریا در محله سوهانک موجب شده برخی خانه‌های شمال محله خارج از حریم شهری قرار داشته باشد و جزو بافت روستا به حساب می‌آید.



۲۳۰۰۰ نفر تعداد جمعیت محله قدیمی سوهانک است که ۵۱ درصد آنها زن و ۴۹ درصد مرد هستند.

